

«بر بساط قلندر»



مؤلف: معصومه معدن کن

نوبت چاپ: اول

ناشر: آیدین

محل نشر: تبریز

سال نشر: ۱۳۷۲

تعداد صفحات: ۴۵۲

منتقد:

دکتر محمدرضا ترکی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

معرفی اثر

بساط قلندر ۱۵۱ غزل از مجموع ۳۴۰ غزل مندرج در چاپ شادروان ضیاءالدین سجّادی را در بردارد. مؤلف محترم، در مقدمه و پیش گفتار، طی حدود ۶۰ صفحه، علاوه بر زندگی نامه و معرفی مختصر آثار خاقانی، در باب غزل این سخنور بزرگ قرن ششم، مبحث جامع الاطرافی

۴۸ نقدنامه زبان و ادبیات فارسی و زبان‌های باستانی

مطرح کرده‌اند. به نظر خانم معدن کن، غزل‌های اصیل خاقانی معمولاً کوتاه و بین ۷، ۸ و ۹ بیت است و غزل‌های شش‌بیتی نیز در میان آنها کم نیست (ص ۱۱).

بحث قابل توجه مقدمه، تقسیم‌بندی غزلیات خاقانی به چهار دسته عاشقانه، عارفانه، نیمه‌عرفانی، و مغانه و قلندرانه است. به نظر مؤلف، بیشترین غزل این شاعر عاشقانه است و کمترین شمار آن عارفانه. غزل‌های نیمه‌عرفانی نیز شمار قابل توجهی را شامل می‌شود. مؤلف، در این بخش، بر این باور مشهور در میان منتقدان صحه می‌گذارد که:

عرفان خاقانی عرفان نظری است و اساساً خاقانی، در عمل، مرد راه عرفان نیست. (ص ۲۳)

سرانجام، نوبت به غزل‌های مغانه و قلندرانه خاقانی می‌رسد که، با برخورداری از رنگ و چاشنی آشکار اندیشه‌های ملامتی، در میان انواع دیگر غزل‌های خاقانی جلوه‌ای نظرگیر دارد.

تعلیقات *بساط قلندر* پر حجم‌ترین بخش کتاب است و از صفحه ۱۹۳ تا ۴۰۵ را در بر می‌گیرد. فهرست‌های کتاب، علاوه بر فهرست‌های متعارف، راهنمای تعلیقات را نیز شامل می‌شود.

امتیازات شکلی و محتوایی

بساط قلندر از مزیت «ویرایش و بازخوانی دقیق» جمشید علی زاده، که خود از محققان این عرصه‌اند، برخوردار بوده و مؤلف گرامی، در پیش‌گفتار، صمیمانه از زحمات ایشان بویژه در «ستردن نادرستی‌های متن» سپاسگزاری کرده‌اند.

بساط قلندر در میان گزیده‌های منتشر شده از متون ادب فارسی، اثری مقبول، جذبی و برخوردار از روش تحقیقی است. مؤلف و شارح محترم، به شیوه مرضیه‌ای که در بزم‌دیرینه عروس نیز در پیش گرفته بودند، همه ابیات غزل‌های برگزیده را آورده‌اند و جز در یک مورد، که به آن اشاره خواهیم کرد، پاره‌ای را حذف نکرده‌اند.

شیوه‌گزینش در *بساط قلندر*، به رغم بسیاری گزینش‌ها که بر سبیل اتفاق یا استحسانی صورت می‌گیرد، کاملاً ذوقی و بر اساس سلیقه شخصی نیست. مؤلف گرامی، چنان که گفتیم، غزلیات خاقانی را به چهار دسته تقسیم کرده و علی‌القاعده کوشیده‌اند نمونه‌های برتر

بر بساط قلندر ۴۹

هر نوع را در مجموعه خویش درج کنند. توضیحات ایشان در بخش تعلیقات نیز، در عین ایجاز، دقیق و محققانه است و کمتر بیت محتاج شرحی را می‌توان یافت که شارح از ذکر نکته‌ای درباره آن تن زده باشد.

خاقانی از شاعرانی است که گذشت روزگار و تغییرات وسیع فرهنگی شعر و اندیشه آنان را از دسترس فهم ما دور کرده و بیش از پیش حکم شاعر خواص، آن هم طبقه خاصی از نخبگان، را پیدا کرده است. این ویژگی ارزش سنجی کار شارحان خاقانی را دشوار ساخته است. اینکه شارح محترمی، با همه علم و فضل و کمال، در فهم ابیاتی از این شاعر به قول دشتی «دیر آشنا» دچار لغزش گردد کاملاً طبیعی است. بنابراین، تعجب نکنید، اگر بگوییم برای داوری درباره آثار شارحان خاقانی نباید یکسره به خطاها و لغزش‌ها چشم دوخت بلکه باید کامیابی‌های آنان را در شرح مشکلات نیز منظور داشت و در ارزیابی حاصل کوشش آنان دخالت داد.

اشکالات شکلی و محتوایی

در این قسمت به سراغ برخی از نکات تأمل برانگیز و قابل بحث و اشکال در بساط قلندر می‌رویم. این موارد خوشبختانه فراوان نیستند و، چنانکه مقبول بیفتند، اصلاح آنها در چاپ‌های بعدی را باید مغتنم شمرد.

این مبحث را با نکته‌ای توضیحی در باب حاشیه صفحه ۱۸ کتاب آغاز می‌کنیم، در آنجا، ذیل عنوان «خلط غزل‌های دیگران با غزل خاقانی» به غزلی اشاره رفته که به دلیل سبک کاملاً متفاوت می‌باید متعلق به شاعری از شاعران سبک هندی باشد. در حاشیه آمده است: طبق تحقیق جمشید علی زاده، این غزل بخشی از یک قصیده ۸۶ بیتی میرزا جلال الدین اسیر، شاعر عصر صفوی، است (ساعری در میان سنگستان، ص ۸۰، دوازه، سیزده). پیش از ایشان، استاد دکتر شفیعی کدکنی هم به این نکته در جلسات درس اشاره فرموده بودند، که البته چندان عجیب نیست؛ چون باب توارد واسع است و علاوه بر مضامین شعر، شامل تحقیقات ادبی هم می‌شود.

در ص ۲۱۸ ذیل:

بردار از رخ و از دیده‌های ما / نوری که عاریه‌ست به خورشید وافرست

۵۰ نقدنامه زبان و ادبیات فارسی و زبان‌های باستانی

اینگونه معنی کرده‌اند: «... می‌گوید پرده از رخسار خود بردار تا چشم ما به دیدار تو روشن شود و نور خیره‌کننده جمال تو دیده ما را کور کند... . خورشید ایهامی به چهره دوست دارد.»
از دیده نگارنده ظاهراً در این بیت شاعر می‌خواهد بگوید نور خورشید عاریه است که باید به او باز فرستاد و به جای آن نور خورشید رخ تو را نشانند.
در ص ۲۷۷ ذیل:

گر هیچ شبی وصل دلارام توان یافت / ناکام جهان هم ز جهان کام توان یافت
ناکام جهان را معنی کرده‌اند: «کام نگرفته از عالم».
ناکام در اینجا به معنی «ناخواست» است (- برهان قاطع ذیل همین واژه). این تعبیر در متون فارسی فراوان به کار رفته است؛ مثلاً در *دیوان خاقانی* (ص ۷۶۲) آمده است:
دل جام جام زهرِ غمان هر زمان کشد
ناکام جان نگر که چه در کام جان کشد
ناکام و کام هم در *دیوان خاقانی* (ص ۸۵۴) به معنی «خواه ناخواه» به کار رفته است:
به نظر نگارنده، در بیت موضوع شرح، ناکام جهان به معنی «به رگم خواست جهان» است.
در ص ۲۲۸ ذیل:

می‌خور که جهان حریف جوی است / آفاق ز سبزه تازه روی است
شارح **حریف جوی** را «هماورد طلب و جوینده هم زور» معنی کرده است.
چون غزل «بهاریه» است و فضایی کاملاً لطیف و غیرحماسی دارد، حریف را در فضای آن، باید «هم پیاله» و «ندیم شراب» معنی کرد. حریف به این معنی به فراوانی در شعر خاقانی و ادبیات فارسی آمده است.
در ص ۲۵۲، ذیل:

گر گشت مرا غمزه غمازش زنهار / تا خونم از آن غمزه غماز نخواهد
نوشته‌اند: تا شبه جمله است: مبادا، زنهار.
ظاهراً زنهار (صوت) را باید شبه جمله شمرد که به جمله بعدی با حرف ربط تا ترکیب شده است.
ص ۲۵۴، ذیل:

برده نو ساخت عشق زخمه نو در فزود / کرد به من آنچه کرد برد ز من آنچه بود

بر بساط قلندر ۵۱

زخمه فزودن را «زدن و جراحت وارد کردن» معنی کرده‌اند. با توجه به سیاق عبارت زخمه فزودن باید به معنی «آهنگ تازه سر کردن» و نظایر آن باشد. خاقانی در غزلی دیگر می‌گوید:

باز از کرشمه زخمه نو در فزوده ای
دردِ نوم به دردِ کهن بر فزوده ای (ص ۶۷۳).

در ص ۲۸۷، سطر ۶ توضیح داده اند که چهار بیت پایانی از غزل شماره ۷۵ را، چون «صرفاً مدح ممدوح و موضوعی خارج از غزل دارد»، حذف کرده‌اند.

این حذف خلاف روش عالمانه شارح محترم است. ای کاش همه ابیات ذکر می شد تا معلوم شود که شاعر در مواردی مضمون تغزلی را به مدیحه ختم می کرده و دست کم، برای حذف چند سطر، نیازمند به افزودن چند سطر توضیح نمی شدند.

در ص ۳۰۳ ذیل:

این است که از برای یک امر / در چارسوی امید و بیم
نوشته‌اند: یک امر اشاره به حکم و مشیت خداوند در تحمل بار امانت دارد». سپس به آیه امانت (احزاب ۳۳: ۷۲) اشاره کرده‌اند.

مناسب تر بود به آیه وَ مَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ (قمر ۵۴: ۵۰) استناد می کردند تا تطابق بیشتری با تلمیح بیت داشته باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها:

شیوه‌گزینش در *بساط قلندر*، به رغم بسیاری گزینش‌ها که بر سبیل اتفاق یا استحسانی صورت می‌گیرد، کاملاً ذوقی و بر اساس سلیقه شخصی نیست. مؤلف محترم، غزلیات خاقانی را به چهار دسته تقسیم کرده و علی القاعده کوشیده است نمونه‌های برتر هر نوع را در مجموعه خویش درج کند. توضیحات ایشان در بخش تعلیقات نیز، در عین ایجاز، دقیق و محققانه است و کمتر بیت محتاج شرحی را می‌توان یافت که شارح از ذکر نکته‌ای درباره آن تن زده باشد. این اثر با اصلاح نکات فوق‌الذکر، می‌تواند جزء منابع مفید درسی در این حیطه به شمار آید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی